



سا زمان چریکهای فدایی خلق ایران

A.C.P
Postfach 120206
60115 Frankfurt am Main
Germany

E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de
Web Site: http://www.iranian-fedaii.de
Fax: 00-49-221-170 490221

چگونه می توانیم متحد شویم (برنامه عمل) فروردین ماه ۱۳۸۲

چگونه می توانیم متحد شویم

مبانی اتحاد با سایر جریانات سیاسی

در بهمن ماه ۱۳۵۷ روند حرکت انقلابی توده های مردم ایران در مسیری قرار گرفته بود که می توانست در تداوم خویش، تغییرات ژرفی را به نفع نیروهای بالنده جامعه عملی سازد، رشد اندیشه های سوسیالیستی را در میان طبقه کارگر و عموم زحمتکشان بارور نماید. در آن هنگامه تاریخی، عموم مردم ایران یکپارچه بپا خاسته بودند تا در نبردی قطعی و سرنوشت ساز، ضمن درهم شکستن ماشین دولتی و انهدام کل سیستم بوروکراتیک نظامی رژیم شاه، حکومتی دمکراتیک را در ایران مستقر سازند. در شرایطی که موج اعتصابات کارگری و توده ای به اوج خود رسیده بود و تظاهرات گسترده خیابانی هرگونه تحرک سیاسی و رفرم جدید از جانب رژیم شاه را غیرممکن ساخته بود، فقدان حزب مستقل طبقه کارگر، عدم آگاهی و شناخت کافی توده های مردم از مسائل سیاسی - اجتماعی و باورهای مذهبی آنان موجب شد تا به خمینی نامی اعتماد کنند، در نتیجه انقلاب به کجراه کشیده شد. در آن ایام باشکوه، کارگران و زحمتکشان ایران با غرور و امید به فردایی می اندیشیدند که پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی هرگونه سلطه دیکتاتوری و استثمار از میان برداشته شود و بر ویرانه های نظام شاهنشاهی حکومتی دمکراتیک استقرار یابد. توده های مردم با جانفشانی وصف ناپذیری عزم راسخ خود را به کار بسته بودند تا جامعه از ستم طبقاتی و فقر عمومی رها شود، آثار شوم عقب ماندگی های اقتصادی و فرهنگی زدوده شود و کلیه مصائب ناشی از حاکمیت رژیم شاهنشاهی برای همیشه از زندگی اجتماعی مردم رخت برینند. اما دریغ که به علت بی تجربگی نیروهای سیاسی در برخورد با حوادث قبل از قیام و پس از آن، ضعف سازماندهی و فقدان سازمان مستقل طبقه کارگر، بار دیگر قدرت سیاسی در دست نمایندگان بورژوازی، این بار در هیئت مذهب قرار گرفت.

از آن پس، باز هم شادی مردم به ماتم تبدیل شد، بار دیگر مطالبات توده مردم که با هدف استقرار دمکراسی و جامعه ای عاری از هرگونه ستم طبقاتی هنوز در میدان مبارزه، رزم نهایی خود را تدارک می دید با کیفر زندان، شکنجه و تیرباران پاسخ داده شد.

جامعه ایران بعد از ۲۴ سال دیکتاتوری مذهبی

اکنون با گذشت بیش از ۲۴ سال از عمر رژیم جمهوری اسلامی ایران، دیگر ماهیت ضد مردمی این رژیم بر کسی پوشیده نیست. دیگر کسی توهمی ندارد که این رژیم نه «دمکرات» است و نه «ضدامپریالیست». برای هیچکس جای شک و تردید باقی نمانده است که اگر هر جریان سیاسی و یا شخصیت مترقی از هر اندیشه و تعلق طبقاتی، هر آینه به دفاع از مردم و مطالبات سیاسی - اقتصادی آنها برخیزد، دشمن رژیم قلمداد می گردد، بیدرنگ آنها را به زندان و یا جوخه اعدام می سپارند. امروز با گذشت پانزده سال از جنگ ایران و عراق دیگر ماهیت و اهداف جنگ ۸ ساله بر کسی پوشیده نیست. همه می دانند جنگی که به قیمت کشته و مجروح شدن بیش از یک میلیون نفر از توده های مردم ایران و عراق، صدها هزار نفر معلول، میلیون ها نفر بیکار و آواره برپا گردید، سرپوشی شد برای تداوم دیکتاتوری بر توده های مردم و گسترش جاه طلبی ها در منطقه. جنگی که فقط امپریالیستها و دلان اسلحه از آن بهره مند شدند.

در عرصه سیاسی مناسبات اجتماعی سیمای شوم بی عدالتی و بی حقوقی بر تمام اقشار جامعه نقش بسته است. بجز پاسداران و مأمورین حکومتی، هیچکس خود را در امنیت نمی بینند. حتی رؤیاهای عده ای از روشنفکران ضعیف النفس که در سال های گذشته به خاتمی دل بسته بودند و عملاً با توجیه سیاست های جمهوری اسلامی همکاری با رژیم را پیشه کرده بودند، رفته رفته، همچون بنایی سست بنیاد فرو ریخته است.

هیچ گزارشی هرچند شیوا، شرح آنچه را که در زندان های ایران می گذرد نمی تواند توصیف کند و به درستی بیان دارد. تاریخ معاصر ایران هرگز نمونه هایی از چنین واپسگرایی، توحش و آدمکشی های نظام جمهوری اسلامی را تاکنون به خود ندیده است. آنچه هم اکنون برای کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، دانش آموزان و در یک کلام عموم مردم ایران برجای مانده است،

چگونه می توانیم متحد شویم

چیزی جز تداوم بیکاری، فقر، زندان و اعدام در نظام جمهوری اسلامی نمی باشد. استبداد حاکم اکنون متوجه و منحصر به یک قشر، یک سازمان و یا ملیت خاص نمی شود. در ایران امروز، همه آزادیخواهان، همه اندیشمندان و کلیه دگراندیشان در آتش استبداد مذهبی گرفتارند. دهها هزار نفر زندانی سیاسی ایران که رژیم منکر سیاسی بودن آنهاست، هنوز هم به خاطر کوچکترین اعتراض سیاسی و یا درخواست صنفی یا شکنجه و محکومیت های سنگین کیفر داده می شوند. در چنین شرایطی مردم می پرسند آینده چه خواهد شد؟ چگونه می توان این رژیم را سرنگون ساخت، دمکراسی و آزادی را به دست آورد؟ در چنین شرایطی، ما راهی بس دشوار و در عین حال امیدبخشی را در پیش رو داریم. راهی که فقط با بازنگری به عملکرد گذشته، ارزیابی از دستاوردها، شکست ها و پیروزی ها می تواند به اتخاذ تاکتیک های صحیحی منتهی شود و تا سرنگونی نهایی جمهوری اسلامی رهنمون عمل قرار گیرد. از اینرو با مروری هرچند گذرا بر وضعیت کنونی نیروهای اپوزیسیون، چشم انداز و صف آرای آتی، آنها را مورد توجه قرار می دهیم.

وضعیت کنونی نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران

هم اکنون جنبش انقلابی ایران، و بطور کلی نیروهای اپوزیسیون مخالف رژیم جمهوری اسلامی، دچار تفرقه و تشتت می باشند. هرگونه اتخاذ سیاست جدی که بتواند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد، در قدم اول به وحدت اراده و عمل نیروهای متخاصم با این رژیم بستگی دارد. هدف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از انتشار این برنامه همکاری با سایر نیروهای انقلابی و دمکرات می باشد. دست یافتن به یک پلانتفرم مشخص، بمنظور تشکیل جبهه ای توده ای و فراگیر، می تواند گام مؤثری در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران باشد. هرچند در سال های گذشته نیز چنین تلاشی صورت گرفته بود، اما با توجه به نیاز کنونی و ویژگیهای مرحله کنونی مبارزه، اعتقاد داریم انعطاف در برنامه عمل سازمان بتواند سمت و سوی نزدیکی به سایر سازمان ها و شخصیت های سیاسی و مترقی را فراهم سازد.

تحت حاکمیت ۲۴ ساله رژیم جمهوری اسلامی، تجارب فراوان و گرانبهایی در عرصه پراتیک و نظری کسب شده است. پس مفاد برنامه عمل ما نیز الزاما نمی تواند از تغییر و تحولات ۲۴ ساله نشأت نگیرد و یا اصلاحاتی را متناسب با وضعیت کنونی در خود نپروراند.

هم اکنون جریانات مختلفی بطور مدام از ضرورت اتحاد عمل و همکاری بین نیروهای انقلابی و بطور کلی در طیف مخالفین با رژیم جمهوری اسلامی صحبت می کنند. متأسفانه این تلاشها تاکنون به نتیجه نرسیده است.

اتحاد از دید نیروهای انقلابی و کمونیست

در جرگه نیروهایی که خود را انقلابی و کمونیست می دانند، پراکندگی بسیار است. هنوز هم بعضی از این جریانات در عرصه تئوریک، جنبه های خلاقیت، بالندگی و ژرفایی را که در ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم وجود دارد نادیده می گیرند و بطور خشک و جامد وضعیت امروز ایران را با روسیه ۱۹۰۵ و یا بعد از ۱۹۱۷ آن کشور مقایسه می کنند. در عرصه پراتیک اجتماعی نیز متأسفانه پاره ای از آنها کارهای محفلی را به جای سازماندهی طبقه کارگر گذاشته اند.

درحالیکه با توجه به مجموعه عوامل موجود و شرایطی که به جنبش انقلابی ایران تحمیل شده است، ما نیز موظف به تغییر تاکتیک و اتخاذ سیاست های جدید می باشیم. این قدم مهمی است که قبل از هر چیز به شهادت و اعتقاد عمیق نیاز دارد.

شهادت همیشه در کارهای خارق العاده و برداشتن اسلحه نمی باشد در مواقعی مانند امروز، شهادت در حرف زدن نیز می باشد. اگر روزی چریکهای فدایی خلق شهادت آن را داشتند تا در دوره مخوف رژیم شاه اسلحه بدست گیرند، امروز باید شهادت آن را داشته باشند تا در حین دفاع از اسلحه شان، بلوغ سیاسی خود را نشان داده، نسبت به ضعف ها و نارسایی های موجود در سازمان، خط مشی و یا تاکتیک های خود بیش از پیش حساسیت نشان دهند.

کمی بیشتر تأمل کنیم. آیا حقیقتاً در شرایط کنونی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران با هر میزان تلاش، فداکاری و از خودگذشتگی از عهده یک حزب و یا سازمان برخواهد آمد؟ پاسخ منفی است. آیا این سرنگونی از عهده آن طیفی که به غلط یا درست، یکدیگر را انقلابی و کمونیست خطاب می کنند، ساخته است؟ بدون تأمل جواب منفی است. از اینرو بایستی در یک تلاش و تکاپوی جدی اتحادی را در دستور کار قرار دهیم که اکثر نیروهای طرفدار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران درستی آن را مورد تأیید قرار دهند. دستیابی به چنین برنامه ای میسر نیست، مگر، جریانات مختلف سیاسی با ارائه برنامه های پیشنهادی و پیشقدم شدن در راه تبادل فکری این نزدیکی را میسر سازند.

یک چنین برنامه ای نمی تواند وظایف انقلابی نیروهای پیشرو در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را توضیح ندهد. در عین حال نمی توان همه نیروها و علاقه مندان به شرکت در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را مکلف به پذیرش این اصل نمود. هر گروه و یا سازمانی مجاز است و حق دارد از اصول خود دفاع کند و هیچگونه گذشت اصولی هم ننماید، ولی نمی تواند اصول خود را به دیگران تحمیل کند. پیرامون فراگیر بودن جبهه و ترکیب آن، موضوع می تواند پس از تشکیل

چنین جبهه ای از ابتدا در اولویت قرارگیرد. به اعتقاد ما تنها جریاناتی نمی توانند در این اتحاد شرکت داشته باشند که سوابق خیانت و همکاری آنان با رژیم جمهوری اسلامی مورد قبول کلیه سازمان ها، احزاب و شخصیت های متشکل در این جبهه قرار گیرد. مخالفت یک یا چند سازمان ویا شخصیت با سایر جریانات ، درعین حال که مورد بررسی و توجه قرار می گیرد ولی شرط کافی برای عدم حضور جریانات دیگر نخواهد بود .

اتحاد مقطعی به معنای وحدت برنامه ای نمی باشد

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اعتقاد به سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی ایران و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق دارد، سازمان ها و جریانات دیگر نیز برنامه خود را ارائه خواهند داد. بدیهی است ما در جزئیات برنامه نمی توانیم با همه وارد توافق شویم. اصولا اتحاد عمل و همکاری نیز در چارچوب کلی و مقطعی بین سازمان های مختلف بر سر هدف مشخصی معنا پیدا می کند، پس سازمان ما مجاز است و اعتقاد دارد، حتی با آنها که به زعم ما برنامه انقلابی سازمان را قبول نمی کنند ولی حاضرند در شرایط کنونی در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نقش ایفاء کنند، وارد اتحاد عمل شود. ما نمی توانیم از یک سو اکثر سازمان ها را غیرانقلابی ارزیابی کنیم و از سوی دیگر دم از اتحاد عمل بزنیم؟! واقعیت امروز طبقات و اقشار متخاصم اجتماعی چنین است که اگر ما نتوانیم با جریانات خرده بورژوازی و حتی آن بخش از بورژوازی که اکنون در حاکمیت نیست و به خاطر منافع طبقاتی اش به صورت مقطعی در تعارض با هیئت حاکمه قرار گرفته اتحاد کنیم، اگر ما نتوانیم بطور کلی با همه کسانی که با باورهای مختلف خود را مخالف رژیم می دانند، صف واحدی را تشکیل دهیم، امر سرنگونی رژیم میسر نمی شود. علاوه بر این ترکیب طبقات و بافت جامعه ایجاب می نماید، از هم اکنون جریانات مختلف با تحمل یکدیگر پایه های استقرار حکومتی دمکراتیک را تضمین کنند، تا در فردای انقلاب بتوانند بسته به نقشی که در سرنگونی رژیم ایفاء نموده اند و به نسبت پایگاه توده ای خود در رهبری انقلاب مؤثر باشند. باور ما به استقرار حکومت دمکراتیک خلق و رهبری طبقه کارگر، موضوعی است که به نقش ما در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بستگی دارد. اگر ما نتوانیم طبقه کارگر را آگاه کنیم، پیوند محکمی با آنها برقرار نمائیم و سازمان مستقل طبقه کارگر را ایجاد کنیم، این به ضعف ما برمی گردد، بنابر این قطعا توده مردم که امروز در زیر بار فشار طاقت فرسای اقتصادی و اجتماعی کمر خم کرده، منتظر ما نخواهد نشست. چه بسا که اعتراضات پراکنده مردم به طغیانی بدل شود، ولی بدون نقش نیروهای پیشرو و بدون تأثیر آنها یا به شکست بیانجامد و یا به راحتی به کجراه دیگری کشیده شود.

شرایط اتحاد با سایر جریانات سیاسی

از آنجا که تعلقات طبقاتی خرده بورژوازی و سایر اقشار غیرکارگری به گونه ای است که آنها نمی توانند در راه مبارزه قطعی و نهایی تا به آخر با پرولتاریا همگام باشند، از اینرو ضمن پافشاری به ضرورت اتحاد مقطعی با آنها، در صورتی می توان به اهداف تعیین شده دست یافت که آنها نیز در این مرحله از انقلاب بتوانند در سرنگونی رژیم مشارکت نمایند. پیشنهاد ما به سایر اقشار اجتماعی، اجرای برنامه حداقل پرولتاریاست که در برگیرنده حداقل منافع زحمتکشان است ولی شرط اتحاد عمل را به این بند مربوط نمی کنیم و با حفظ نظر خویش حاضریم با سایر جریانات در چارچوب سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران متحد شویم. تأکید داریم برای اتحاد، ما هیچگونه پیش شرطی را الزامی نمی دانیم. در غیر این صورت انقلاب نه در جهت پیشروی بلکه راه زوال تدریجی را طی خواهد نمود. از اینرو در شرایط کنونی نزدیکی به سایر سازمانهای انقلابی ، دمکرات و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی را شرط لازم و مؤثر برای تشکیل جبهه واحد ارزیابی و توصیه می نمائیم .

به همین منظور ما با کمال صراحت اعلام می داریم، آماده ایم با همه سازمان ها و جریاناتی که حاضرند درگیر پراتیک اجتماعی شوند و می توانند نقشی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایفاء نمایند وارد اتحاد عمل شویم. جریاناتی که خود را ناصلاح در سرنوشت کارگران و زحمتکشان ایران می دانند و به خود اجازه می دهند در مسایل مربوط به آنان مداخله کنند، نمی توانند نسبت به امر وحدت و اعمال اراده طبقه کارگر بی تفاوت باشند. ما همچنان که بارها در گذشته اعلام داشته ایم، بار دیگر تأکید می کنیم مبنای اتحاد عمل خود را در مرحله کنونی با کلیه سازمان های انقلابی و جریانات غیرپرولتری مشارکت عملی در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار داده ایم.

برای اینکه دوباره انقلاب به کجراه کشیده نشود، باید از هم اکنون آنچنان برنامه ای مورد قبول نیروهای سیاسی قرار گیرد، تا قدرت دولتی آینده ایران در جهت وحدت بخشیدن تحکیم یابد. ما با تأکید بر این حقیقت و با توجه به شرایط موجوداعتقاد داریم هرگونه گامی درجهت زدودن بدبینی ها و پراکندگی ها می تواند جنبش انقلابی مردم ایران را به جلو سوق دهد.

ما اعتقاد داریم در صورتی که سایر سازمان های سیاسی در حد توان امکانات خود را معطوف به امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بنمایند علیرغم میل این یا آن جریان این اتحاد جنبه عملی به خود خواهد گرفت. در صورتی که سایر جریانات سیاسی بر سر نوع حکومت، پیشاپیش نظری ندارند، ما نیز با حفظ نظرات خویش بر سر اسم آن اصرار نمی ورزیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برنامه ضمیمه را در این مقطع حداقل مطالبات طبقه کارگر ارزیابی و آنرا منتشر می سازد.

بدیهی است در صورتی که طبقه کارگر و عموم مردم آن را بپذیرند، ما خود را مکلف به اجرای آن می دانیم. در غیر این صورت تبلیغ و ترویج آن را مبانی عقیدتی خود دانسته، در هر شرایطی تلاش جهت پیاده کردن آن را وظیفه مبرم خود تلقی می کنیم. این تبلیغ و ترویج مانع اتحاد ما با سایر جریانات سیاسی نمی باشد.

سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق

با توجه به رویگردانی توده های مردم از رژیم جمهوری اسلامی و تنفر آنان از این رژیم، با توجه به اوضاع وخامت بار کنونی و تشدید فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، با توجه به فجایع و جنایاتی که طی نزدیک به ۲۵ سال از سوی رژیم جمهوری اسلامی بر مردم اعمال گردیده است، اکنون عموم کارگران و زحمتکشان ایران خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می باشند. تجربه کارگران و زحمتکشان ایران در دوران حکومت شاه و در دوره رژیم جمهوری اسلامی به آنها می آموزد، تا زمانی که حکومت سرمایه داران خواه در شکل رژیم سلطنتی شاه، خواه در شکل رژیم جمهوری اسلامی و خواه در هر شکل دیگر آن برقرار باشد فقر و بدبختی، دیکتاتوری و سرکوب، اسارت و وابستگی، ستم و استثمار نیز از میان نخواهد رفت.

تنها راه نجات واقعی و یگانه راه حل انقلابی برای رهایی از اوضاع فلاکت بار موجود و تحقق خواسته های توده های مردم همانا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به دست کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان و نیروهای انقلابی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یعنی جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان شهر و روستاست. همچنان که رژیم شاه تنها با قدرت لایزال توده ها، با مبارزات بی امان کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان، کارمندان و ... سرنگون شد، اکنون نیز سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی تنها به دست کارگران، دهقانان و همه نیروهای انقلابی و مردمی میسر است. اما برای اینکه بار دیگر انقلاب به کجراه کشیده نشود و دستاوردهای انقلابی توده ها عرصه تاراجگری سرمایه داران و مرتجعین قرار نگیرد، برای اینکه جمهوری دمکراتیک خلق مستقر شود و انقلاب دمکراتیک توده ای ایران به پیروزی برسد، لازمه اش این است که طبقه کارگر رهبری مبارزه را در دست گیرد و از طریق یک جبهه واحد توده ای، جبهه ای که پایه آن را اتحاد کارگران و زحمتکشان شهر و روستا تشکیل دهد، رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازد، جمهوری دمکراتیک خلق را مستقر سازد و انقلاب را به پیروزی قطعی اش برساند. بدون اعمال رهبری طبقه کارگر و حضور فعال پیشاهنگ آن بر جنبش، پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده ای و تحقق خواسته های توده های زحمتکش ایران غیرممکن است.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

اگرچه طی سال های گذشته رژیم جمهوری اسلامی توانست با توسل به سرکوب، اعدام، زندان، و... در میان توده های مردم رعب و هراس ایجاد کند، توازن نیروهای انقلاب و ضدانقلاب را به نفع خود تغییر دهد و خود را شکست ناپذیر جلوه دهد، اما امروز بیش از همیشه روشن شده است که این اقدامات جنون آمیز رژیم نه از قدرت بلکه از ضعف آن ناشی می شود. حقایق عینی در زمینه ضعف و ناتوانی رژیم در جهت فائق آمدن بر کلیه مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از یک سو و عدم توانایی رژیم برای درهم شکستن مقاومت کارگران و زحمتکشان و حضور سازمان های مخالف در صحنه سیاسی از سوی دیگر، نشان می دهد که شرایط برای سرنگونی رژیم مهیاست. آنچه موجب به تعویق افتادن این مهم گردیده است، عدم وجود یک آلترناتیو قوی برای رهبری کردن توده های مردم است.

تجارب گذشته را به کار گیریم

روزهای قیام بهمن ماه را به خاطر آوریم! تجاربی را که در مبارزه علیه رژیم شاه به دست آوردیم، علیه رژیم جمهوری اسلامی به کار گیریم! به یاد آوریم روزهایی را که تمام کارخانه ها و مؤسسات را اعتصاب فراگرفته بود! به یاد آوریم روزهایی را که اعتصاب عمومی سیاسی، رژیم شاه را با تمام قدرتش به زانو درآورده بود. ما باید بار دیگر این شکل مبارزه را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به کار گیریم. تدارک اعتصاب عمومی سیاسی شرط ضروری این مرحله از مبارزه می باشد.

هنگامی که کارگران دست از کار بکشند، تولید را متوقف سازند، جلوی سودهای سرمایه داران و منابع تغذیه و درآمد دولت را بگیرند، هنگامی که کارمندان تمام ادارات و مؤسسات، دانش آموزان و معلمین به اعتصاب عمومی سیاسی بپیوندند، آنگاه سر تا پای نظام مختل خواهد شد و رژیم به زانو درخواهد آمد. آنگاه انحصارات امپریالیستی حامی رژیم مجبور می شوند به خاطر جلوگیری از ریسک و از دست دادن سرمایه اشان، دست از حمایت رژیم بردارند. بنابر این باید نظیر روزهای قبل از قیام بهمن ماه با برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی رژیم را فلج کرد، رژیم را به زانو درآورد و آنگاه بایک قیام مسلحانه آن را برانداخت. اکنون این سوال پیش می آید که چگونه باید یک اعتصاب عمومی سیاسی برپا کرد و به قیام مسلحانه دست زد ؟

تدارک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام سراسری تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب

تجربه مبارزاتی مردم علیه رژیم شاه نشان داده که پیش از برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی، کمیته های اعتصاب در کارخانه ها، ادارات و همه مؤسسات پدید آمد. این کمیته ها امر برپایی اعتصاب عمومی سیاسی و رهبری مبارزات توده ها را بر عهده گرفتند. امروز نیز باید به منظور برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی، در هر کجا که امکان و چشم انداز شکل گیری اعتصاب وجود دارد، کمیته های اعتصاب را پدید آورد.

کمیته های اعتصاب باید ابتدا بطور مخفیانه از آگاه ترین و پیشروترین نیروها در کارخانه ها، ادارات، مدارس، مؤسسات و... تشکیل گردد. این کمیته ها وظیفه ارتباط با کمیته های اعتصاب در کارخانه ها و مؤسسات دیگر به منظور هماهنگ کردن فعالیت ها، طرح خواسته ها، برنامه ریزی و هدایت رهبری اعتصاب را بر عهده خواهند داشت. کمیته های اعتصاب در همه جا باید بر وسیع ترین بخش توده ها متکی باشند. تجربه قیام بهمن ماه نشان داد که چنین کمیته هایی به خوبی قادرند اعتصاب عمومی سیاسی را هماهنگ و یکپارچه تا پیروزی قیام رهبری کنند.

کارگران آگاه و مبارز!

در هر کارخانه و کارگاه، در هر مؤسسه و در هر کجا که هستید کمیته های اعتصاب را ایجاد کنید، به تبلیغ خواست های انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران و وظایف انقلاب بپردازید. ضرورت برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی را در میان کارگران تبلیغ کنید. با کارخانه های دیگر تماس بگیرید. مبارزات خود را هماهنگ کنید! همه کارگران را به مبارزه علیه رژیم فراخوانید! آگاه باشید که این بار طبقه کارگر ایران باید رهبری توده ها را در دست گیرد و انقلاب را به سمت پیروزی قطعی سوق دهد، تا یک بار دیگر دستاوردهای انقلاب عرصه تاراجگری سرمایه داران و مرتجعین قرار نگیرد.

به عنوان یک نیروی پیشتاز و آگاه در راه ایجاد کمیته های اعتصاب و برپایی یک اعتصاب عمومی پیشقدم شوید و بدانید که تنها اعتصاب کارگران قادر است تمام منابع تغذیه و درآمد دولت و سرمایه داران را قطع کند و رژیم را فلج نماید. نقش بسیار عظیمی که کارگران آگاه و رزمنده صنعت نفت، این گردان پیشتاز طبقه کارگر ایران در اعتصاب عمومی سیاسی علیه رژیم سرمایه داری شاه و سرنگونی آن ایفاء کردند بر هیچکس پوشیده نیست. هنگامی که کارگران اراده کنند، تمام چرخها از حرکت باز خواهد ایستاد.

کارمندان آگاه و مبارز!

در تمام ادارات و مؤسسات به ایجاد کمیته های مخفی اعتصاب بپردازید. از اختناق و سرکوب و از تهدیدهای رژیم نهراسید. کارمندان را به مبارزه ای متحد و متشکل فراخوانید. با دیگر ادارات و مؤسسات تماس بگیرید. مبارزات خود را هماهنگ کنید و برای برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی آماده شوید. تجربیات قیام بهمن ماه نقش مهم کارمندان ادارات و مؤسسات را در اعتصاب عمومی سیاسی نشان داد.

دانشجویان، معلمین و دانش آموزان آگاه و مبارز!

به ایجاد کمیته های مخفی اعتصاب بپردازید. مبارزات خود را هماهنگ کنید و برای پیوستن به اعتصاب عمومی آماده شوید.

ایجاد کمیته های مخفی مقاومت

به منظور رهبری و هدایت مبارزه روزمره توده ها و تدارک و هدایت قیام مسلحانه، باید کمیته های مخفی مقاومت ایجاد کرد و توده ها را در این کمیته ها سازماندهی نمود. کمیته های مخفی مقاومت باید در محلات، پادگان ها، روستاها، مدارس و در هر کجا که توده ها هستند ایجاد شوند و رهبری مبارزات توده ها را بر عهده گیرند. کمیته های مقاومت باید به تبلیغ اهداف و مقاصد جنبش بپردازند، امکانات لازم را برای مبارزه و قیام تدارک ببینند، اطلاعات لازم را برای مبارزه جمع آوری کنند، مزدوران رژیم را شناسایی نمایند و تمام اطلاعات لازم را در مورد مراکز حساس رژیم که برای قیام ضروری است جمع آوری کنند. در این میان به ویژه کمیته های محلات نقش مهمی در زمینه تدارک نظامی قیام مسلحانه بر عهده دارند. در هر منطقه و محله باید به شکل کاملا مخفیانه کمیته های رزمی تشکیل شود. به امر آموزش نظامی، گردآوری اطلاعات نظامی، گردآوری سلاح بپردازند و برای یک قیام مسلحانه تدارک ببینند.

هموطنان آگاه و مبارز!

کمیته های مقاومت را در محلات تشکیل دهید! این کمیته ها باید پیشبرد امر مبارزه، تبلیغ اهداف جنبش و سازماندهی مبارزات توده ها را در سطح محلات بر عهده گیرند. با دیگر کمیته ها در محلات تماس بگیرید، فعالیت های خود را هماهنگ کنید. تجربیات قیام بهمن را به کار گیرید و برای یک قیام مجدد آماده شوید!

دهقانان و زحمتکشان روستا!

کمیته های مخفی مقاومت تشکیل دهید! تا در مبارزه تعیین کننده و نبرد قطعی بین انقلاب و ضدانقلاب به عنوان نزدیک ترین یار و متحد کارگران نقش قطعی خود را در قیام و پیروزی انقلاب ایفاء کنید. کمیته های مخفی دهقانان همچنین قادر خواهند بود مبارزات روزمره دهقانان علیه زمینداران و دولت حامی آنها را رهبری کنند.

سربازان و پرسنل انقلابی

در پادگان ها کمیته های مخفی مقاومت را ابتدا از آگاه ترین و مبارزترین پرسنل تشکیل دهید. به تبلیغ و ترویج اهداف جنبش بپردازید. فرماندهان سرسپرده ارتش و سپاه پاسداران را شناسایی کنید. توده های وسیع سربازان و پرسنل انقلابی را به تشکل در کمیته های مخفی مقاومت دعوت کنید و برای پیوستن به قیام سراسری توده ها آماده شوید.

ایجاد کانون های پارتیزانی و تسخیر منطقه ای قدرت

هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی ایران به قدرت رسید، بلافاصله سیاست سرکوب نیروهای انقلابی را در دستور کار قرار داد و در مقابله با این سیاست رژیم، در بعضی مناطق از قبیل کردستان و ترکمن صحرا شکل ویژه ای از مبارزه مسلحانه علیه رژیم به کار گرفته شد که منجر به مناطق آزاد شده گردید و تحت کنترل نیروهای انقلابی قرار گرفت. این کانون های پارتیزانی با توجه به موقعیت توده های دهقانی، همچنین شرایط جغرافیایی مناسب می تواند در هر زمان که امکان بوجود آمدن آنها فراهم است، ایجاد گردد و به کانون مبارزه بر علیه رژیم حاکم تبدیل شود. نباید فراموش کرد که سرانجام، سرنوشت انقلاب را قیام عمومی و سراسری کارگران و زحمتکشان در شهرها تعیین خواهد کرد.

حکومت انقلابی کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان ایران که از بطن قیام مسلحانه توده ها بیرون خواهد آمد، ارگان قیام پیروزمند توده ها و تبلور اراده آنها محسوب می گردد. تنها یک چنین حکومتی قادر خواهد بود که جامعه را از وضعیت فلاکت بار موجود نجات بخشد. برنامه فوری ترین خواست توده های مردم را به مرحله عمل درآورد و با برقراری وسیع ترین آزادی های سیاسی برای توده های زحمتکش و همه نیروهای انقلابی و سرکوب قاطعانه ضدانقلاب یعنی سرمایه داران و همه مرتجعین و دشمنان خلق راه را برای پیروزی های بیشتر و نیل به سوسیالیسم هموار سازد.

حاکمیت شوراها یا مجلس مؤسسان

از آنجا که سازمان ما نوع جمهوری پارلمانی را بورژوازی ارزیابی می کند، لذا پیشنهاد ما به جای مجلس مؤسسان، کنگره شوراها می باشد. این پیشنهاد بدان معنا نیست که اگر سایر جویانان مجلس مؤسسان را به عنوان ارائه طریق پیشنهاد کنند، ما از شرکت در آن امتناع کنیم. برعکس اگر پیشنهاد کنگره شوراها مورد قبول واقع نگردد، در این مرحله ما خود را موظف به اجرای تصمیمات مجلس مؤسسان می دانیم.

اقدامات فوری جهت تحکیم دموکراسی توده ای و تأمین آزادی های سیاسی

تجربه قیام بهمن ماه یک بار دیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رساند، در صورتی که قدرت سیاسی در دست ارگان های اقتدار توده ای قرار نگیرند و در صورتی که دستگاه دولتی سرمایه داران و ابزار اعمال دیکتاتوری آنها یعنی تمام دستگاه های ستم و سرکوب آنها درهم شکسته نشود، هیچگونه آزادی و دموکراسی پایدار نخواهد ماند.

توده های زحمتکش میهن ما در مبارزات خود علیه رژیم شاه به تجربه دریافته بودند که طبقه حاکم سلطه ستمگرانه خود را از طریق ارتش، شهربانی، ژاندارمری، ساواک و تمام دستگاه اداری خود بر مردم اعمال می کرد. آنها در مبارزات خود علیه رژیم شاه دریافته بودند که باید این ابزارهای اعمال دیکتاتوری طبقه حاکم را که در خدمت پاسداری از منافع امپریالیسم، رژیم شاه و سرمایه داران ایران قرار داشت درهم بشکنند و ارگان های اقتدار خود را ایجاد کنند. از همین روست که توده های مردم در حین انقلاب از یک سو به جای دستگاه های اداری رژیم شاه، شوراها و کمیته های خود را پدید آوردند و از سوی دیگر هنگامی که قیام مسلحانه را آغاز کردند به پادگان ها، کلانتری ها، مراکز ساواک و زندان ها حمله کردند تا ابزارهای دیکتاتوری و سرکوب طبقه حاکم را منهدم کنند. خودشان مسلح شوند و مسلحانه از انقلاب و دستاوردهای انقلابی خود دفاع کنند. اما از آنجا که توده های مردم این دستگاه های اعمال حاکمیت امپریالیسم و سرمایه داران را بطور کلی درهم نشکستند و خود زمام امور را در دست نگرفتند، حکومتی که بر سر کار آمد، بلافاصله دستگاه های سرکوب و ستمگری را بازسازی کرده به خلع سلاح توده ها پرداخت، شوراها را از میان برد و دوباره با تکیه بر این ابزارهای سرکوب حقوق دموکراتیک و آزادی های سیاسی را که توده ها با قیام مسلحانه خود به دست آورده بودند، از آنها

چگونه می توانیم متحد شویم

۷

باز ستاند.

تجارب گذشته می آموزد که برقراری یک دمکراسی واقعی و پایدار مستلزم خرد کردن سر تا پای ماشین دولتی، درهم شکستن تمام ارگان های سرکوب نظامی رژیم، به عنوان ابزارهای ستمگری و دیکتاتوری طبقه سرمایه دار، و به جای آنها ایجاد شوراهای مسلح انقلابی است.

تاکنون سرمایه داران و مرتجعین به عنوان یک اقلیت محدود بر مردم حکومت کرده اند و دیکتاتوری خود را بر اکثریت مردم اعمال نموده اند. در دمکراسی توده ای دستگاه های کهنه نظامی واداری کهنه برجیده خواهد شدو به جای آن ارگانهای مردمی و انقلابی ایجاد می گردد.این شیوه حکومتی می تواند به معنای دمکراسی و آزادی برای اکثریت عظیم مردم تلقی شود . از اینرو به عنوان نخستین گام در راه تأمین و تحکیم دمکراسی توده ای تمام دستگاه های اداری و نظامی موجود منحل خواهد شد.

۱- انحلال تمام دستگاه های اداری و نظامی موجود و ایجاد ارگان های اقتدار توده ای

تمام سیستم اداری موجود درهم خواهد شکست و نیروهای انقلابی حاکمیت خود را از طریق شوراهای مسلح و دیگر تشکل های توده ای اعمال خواهند کرد. بدین طریق توده ها در اداره امور کشور شرکت مستقیم خواهند داشت و بر سرنوشت خویش حاکم می شوند.

سیستم قضایی موجود و تمام دادگاه های ویژه، دادگاه های شرع و سایر نهادهای دست نشانده چون شورای عالی قضایی و غیره منحل می شود و به جای آنها دادگاه های خلق ایجاد خواهد شد. تمام محاکمات بطور علنی صورت خواهد گرفت.

تمام ارگان ها و نهادهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نظیر ارتش، سپاه پاسداران، ساواما، کمیته ها، بسیج، شهربانی، ژاندارمری و... منحل خواهد شد و از طریق تسلیح همگانی کارگران و اقشار خلق، شوراهای سربازان و پرسنل انقلابی ارتش، یک ارتش توده ای ایجاد خواهد شد. این ارتش که وظیفه پاسداری از منافع توده ها را بر عهده خواهد داشت، قادر است قاطعانه در برابر هر تجاوزی ایستادگی کند و هر توطئه ضدانقلابی را درهم کوبد.

۲-تأمین آزادی های سیاسی

رژیم جمهوری اسلامی تمام آزادی های سیاسی و ابتدایی ترین حقوق توده ها را لگدمال کرده و حکومت ترور و اختناق برقرار کرده است! باید بی درنگ به این وضع خاتمه داده شود و اجرای مفاد زیر تضمین شود:

- تأمین کامل آزادی عقیده و بیان، لغو هرگونه سانسور و تفتیش عقاید.
- تأمین آزادی هرگونه تشکل و انجمن (اتحادیه، سندیکا، کانون، شوراهاو...) آزادی احزاب و سازمان های سیاسی .
- تأمین آزادی مطبوعات و انتشارات بدون هرگونه سانسور.
- تأمین آزادی گردهمایی، اجتماع، تظاهرات، میتینگ، آزادی اعتصاب .
- تأمین آزادی مذهب و برابری کامل مذهب .
- لغو هرگونه تفتیش عقاید، شکنجه و ممنوعیت بی قید و شرط این اقدامات .
- جدایی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارس از مذهب. کلیه مدارس، آموزشگاه ها و امثالهم بایستی مطلقا غیرمذهبی باشند.
- الغاء هرگونه ستم و محدودیت فرهنگی، قومی و نژادی .
- آزادی زندانیان سیاسی .
- محاکمه تمام متهمین در دادگاه های عادی و علنی و برخورداری کامل آنها از حق انتخاب وکیل، دفاع و دادرسی .

۳- جدایی کامل دستگاه مذهب از دولت

رژیم جمهوری اسلامی با برقراری یک حکومت مذهبی، ابتدایی ترین حقوق مردم را از آنها سلب کرده و امتیازات ویژه ای برای روحانیت شیعه قائل شده است.

رژیم جمهوری اسلامی اقلیت های مذهبی را زیر شدیدترین فشارها قرار داده و آنها را از حقوق اجتماعی و انسانی محروم کرده است. هر دولت مذهبی نفی دمکراسی و آزادی است. بنابر این تأمین دمکراسی واقعی و تضمین آزادی های سیاسی، مستلزم جدایی کامل دستگاه مذهب از دولت است.

- دین باید امری خصوصی اعلام شود. هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت باشد. مجامع دینی نباید هیچ ارتباط ویژه ای با حکومت داشته باشند.

- هر کسی باید آزاد باشد که به هر دینی بگردد یا از آن روی گرداند. دین داشته باشد یا نداشته باشد.

- هرگونه مذهب رسمی، هرگونه امتیاز ویژه برای یک مذهب خاص و تبعیض بر اساس مذهب باید ملغی شود.

چگونه می توانیم متحد شویم

- اجرای مراسم و آئین های مذهبی و سنتی باید آزاد اعلام شود.
- ذکر نام دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی باید ملغی شود.
- روحانیون مساجد و یا دیگر نهادهای مذهبی نباید هیچگونه بودجه ای از دولت دریافت کنند.
- دست قضاات شرع و قوانین شرعی باید به کلی از محاکمه کوتاه شود. بساط قوانین و لوایح قرون وسطایی نظیر لایحه قصاص و دادگاه های به اصطلاح انقلاب شرع و غیره باید برچیده شود.
- تدریس هرگونه امور دینی و مراسم اجباری از مدارس و آموزشگاه ها باید حذف شود. آموزش عرفی به کلی از آموزش شرعی جدا شود. درس شرعیات و نظائر آن از مدارس حذف شود. اما تبلیغ و تدریس امور دینی برای نهادهای مذهبی آزاد خواهد بود.
- دستگاه های جاسوسی که تحت پوشش امور تربیتی مدارس و انجمن های اسلامی، دست اندرکار ترویج فرهنگ ارتجاعی و ایجاد جو رعب و وحشت هستند باید برچیده شوند و کسانی که مجری اینگونه اعمال اند، باید برکنار شوند.
- تمام نهادهای مذهبی چون انجمن ها و شوراهای اسلامی و دادگاه های شرع و سازمان های سیاسی - ایدئولوژیک باید برچیده شوند.
- هرگونه تفتیش عقاید دینی در مدارس، کارخانه ها، دانشگاه ها و... باید ممنوع اعلام شود.
- تمام اموال موقوفه، ثروت ها و سرمایه هایی که تحت مالکیت روحانیت و نهادهای مذهبی است باید جزو اموال عمومی شمرده شود.

۴- لغو هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و رعایت کامل حقوق آزادی اجتماعی زنان

هیچ انقلابی بدون حمایت و پشتیبانی و شرکت مستقیم زنان که نیمی از اعضای جامعه ما را تشکیل می دهند به پیروزی قطعی نخواهد رسید و هیچ دمکراسی بدون رفع تبعیض های اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مورد زنان پایدار نخواهد ماند. بنابراین این:

- زنان باید از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار باشند، هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغی خواهد شد.
- زنان باید آزادانه در تمام فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت کنند.
- تمام قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، نظیر حق طلاق یک جانبه، تعدد زوجات و صیغه لغو شود.
- مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم بر زنان است باید لغو شود.
- زنان باید در ازاء کار مساوی با مردان از حقوق و مزایای کامل و سایر تسهیلات چون شیرخوارگاه، مهد کودک، حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار و... برخوردار باشند.
- ممنوعیت کار برای زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور است بایستی اجراء شود.

۵- حق تعیین سرنوشت برای ملیت ها

جامعه ایران از ملیت های گوناگون تشکیل شده است. این ملیت ها تاکنون تحت ستم قرار داشته اند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه به ستمگری ملی ادامه می دهد و بیرحمانه حقوق ملی خلق های کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ را پایمال می نماید. - باید حق تعیین سرنوشت برای کلیه ملل تحت ستم ایران به رسمیت شناخته شود. ملیت های تحت ستم ایران باید آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند.

- منافع طبقه کارگر و ملل تحت ستم ایران در این است که مشترکا یک دولت متحد تشکیل دهند. اما این اتحاد آزادانه و داوطلبانه خواهد بود و جمهوری دمکراتیک خلق بر اتحاد آزادانه و داوطلبانه ملیت ها استوار خواهد بود. توصیه ما بر پایه اتحاد بین کلیه ملیت هاست و این موضع را پیشنهاد، تبلیغ و ترویج می نمائیم.

- تمام ملیت هایی که بنا به میل و اراده خود، آزادانه و داوطلبانه زندگی در چارچوب جمهوری دمکراتیک خلق را برمی گزینند، از حقوق کامل و برابری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برخوردار خواهند بود. هرگونه اعمال ستم و یا قائل شدن امتیاز ویژه بر اساس زبان، فرهنگ، نژاد، ملیت و قومیت غیرقانونی است.

مبارزات ضدامپریالیستی - ضدسرمایه داری و اقدامات فوری در زمینه اقتصادی

از آنجا که نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران سرمایه داریست، لذا نظام سرمایه داری ایران وابسته و تحت سلطه امپریالیسم جهانی است. در نظام جمهوری اسلامی مانند تمام رژیم های دیکتاتوری موجود در دنیا، امپریالیسم و سرمایه داری دو جزء لاینفک محسوب می شوند. از اینرو هر مبارزه ای در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم و کسب استقلال ملی نمی تواند از مبارزه علیه سرمایه داری جدا باشد. به عبارت دیگر مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه داری جدا نیست.

رژیم جمهوری اسلامی طی ۲۴ سال گذشته حتی یک گام عملی و جدی در مبارزه علیه امپریالیسم برداشته است و نمی تواند بردارد، جز اینکه روز به روز منافع مشترک بیشتری با آنها پیدا کند. رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا فقط در حرف ضدامپریالیست

چگونه می توانیم متحد شویم

۹

بود و نه در عمل. تنها چنجال های تبلیغاتی به راه انداخته است تا توده ها را بیشتر فریب دهد و بتواند بهانه مناسبی برای سرکوب داخلی بدست آورد. به همین دلیل است که امروز پس از گذشت ۲۴ سال از قیام بهمن ماه، نه تنها ایران به لحاظ اقتصادی وابسته به امپریالیسم می باشد، بلکه در نتیجه اعمال سیاست های ضدانقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، اقتصاد جامعه به کلی از هم گسیخته است. بحران اقتصادی و عدم برنامه ریزی صحیح موجب گردیده است تا شرایط زندگی توده ها روز به روز بدتر شود.

چگونه می توان به اوضاع وخامت بار موجود پایان داد

طی ۲۴ سال گذشته مدام بحران اقتصادی وخیم تر شده است. بطور دائم بر تعداد بیکاران و آوارگان افزوده می شود، قیمت کالاها افزایش می یابد و کمیود مایحتاج روزمره بیشتر می شود. درآمد حاصل از نفت نیز بیشتر صرف جاه طلبی های نظامی رژیم می گردد. در چنین شرایطی دولت تلاش می کند باز هم سنگینی بار بحران را بر دوش توده ها بگذارد. با استفاده و بهره گیری از سیستم های مختلف درجهان، آن هم بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و درآمد حقیقی مردم، مالیات ها را افزایش می دهد و بر هر کس روشن است که بیشترین میزان مالیات از توده های زحمتکش گرفته می شود. سرمایه داران کلان و سران حکومت نیز با هزاران تمهید از پرداخت مالیات طفره می روند. بدیهی است دولت حامی منافع سرمایه داران نیز موجبات این شیوه ها را فراهم می سازد. یک روز بهای آب و برق را افزایش می دهند، یک روز قیمت کالاهایی را که بطور انحصاری در دست دولت است افزایش می دهند. روز دیگر قیمت بنزین را چند برابر می کنند و نرخ ارزاق عمومی را به دلخواه افزایش می دهند. صندوق های قرض الحسنه به وجود می آورند و از این طریق اندوخته زحمتکشان را در خدمت سرمایه داران به کار می اندازند و...

به هر حال امروز دیگر اکثریت عظیم کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان میهن ما پی برده اند که ادامه حکومت رژیم جمهوری اسلامی جز تشدید فقر و فلاکت نتیجه ای نخواهد داشت. آنها به درستی به ماهیت هر دو جناح خامنه ای و خاتمی پی برده اند و هیچیک از جریانات شریک حاکمیت، نظیر جبهه دوم خرداد برای مردم جذابیتی ندارند. پس برای جلوگیری از این اوضاع وخامت بار چه باید کرد؟

یگانه راه حل انقلابی رهایی از بحران موجود و فقر و فلاکت عمومی، کوتاه کردن دست امپریالیسم جهانی و سرمایه داران داخلی از منابع سرشار اقتصادی ایران است. این مهم فقط می تواند با در دست گرفتن ابتکار عمل وسیله عموم مردم، بویژه کارگران و اقشار پائین جامعه حل شود. تا هنگامی که توده های مردم از ابتکار و خلاقیت دور نگاهداشته شوند، این وضع تغییر مهمی نخواهد کرد.

تجربه تمام انقلابات این واقعیت را اثبات می نماید که شیوه مبارزه با قحطی و خطر فلاکت، کنترل، نظارت و حسابرسی است تا بتوان اقتصاد را که طی یک بحران چند ساله و در اثر مشکلات عظیم ناشی از جنگ به سوی ویرانی و از هم گسیختگی سوق داده شده است از یک فاجعه نجات داد.

بنابر این اولین گام در جهت هرگونه تغییر و تحول انقلابی، همانا برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دولت دمکراتیک و انقلابی است که بتواند به فوریت اقدامات بنیادی و مؤثری را در دفاع از عموم مردم ایران در دستور کار قرار دهد.

۶- ملی کردن سرمایه های بزرگ

- تمام سرمایه های شرکت ها و مؤسسات امپریالیستی، مؤسسات و بنیادهای وابسته به روحانیت و کلیه صنایع بزرگ و مؤسسات بانکی بدون پرداخت یک ریال غرامت مصادره و ملی خواهد شد.

- تولید در تمام صنایع، کارخانه ها و مؤسسات باید تحت کنترل و نظارت کارگری قرار گیرد.

- دولت انقلابی ایران به فوریت امر تأمین مواد اولیه، مواد مورد نیاز جهت تغییر خط تولید را بر عهده خواهد گرفت.

- با تأکید بر پی ریزی صنایع سنگین، خط تولید مونتاژ و صنایع وابسته تغییر داده می شود تا از صنایع غیرمولد به صنایع مولد جامعه تبدیل شوند.

- تمام نیروی کار موجود به کار گرفته می شود و بدین طریق نه تنها برای بخش عظیمی از نیروی بیکار جامعه کار تأمین خواهد شد، بلکه توده ها به وسیع ترین شکل ممکن در امر بازسازی اقتصاد جامعه شرکت خواهند کرد.

۷- ملی کردن بانک ها و متحد ساختن آنها در یک بانک واحد

تمام بانک ها باید ملی شوند و یک بانک واحد از اتحاد همگی آنها ایجاد شود. ملی کردن بانک ها و تمرکز آنها در یک بانک واحد نه تنها یک گام جدی در جهت قطع وابستگی بر امپریالیسم محسوب می شود، بلکه برای رهایی از بحران وخیم اقتصادی موجود و مبارزه با خطر فلاکت امری ضروری است.

بدون تمرکز بانک ها در یک بانک واحد و بدون کنترل بانک ها به هیچ وجه نمی توان تولید و توزیع را تحت کنترل قرار داد و جلو

چپاول، سوء استفاده ها و دزدی های سرمایه داران را گرفت و بر اقدامات لجام گسیخته و توطئه ها و خرابکاری های آنها مهار زد و با وضعیت رقت بار اقتصادی کنونی مبارزه کرد. باید در نظر داشت که ملی کردن بانک ها و اعمال کنترل دقیق بر آنها بدین معنا نیست که سپرده های مردم در بانک ها مصادره شود. به هیچ وجه یک ریال از سپرده های کسی برداشت نخواهد شد. ملی کردن بانک ها و اعمال کنترل بر آنها امکان می دهد که کنترل شدید بر سرمایه داران بزرگ اعمال شود و جلو دزدی ها و زدوبندهای آنها گرفته شود. ملی کردن بانک ها و ادغام آنها در یک بانک واحد و گسترش شعبات آن امکان می دهد که اعتبار آسان، سهل الوصول و با بهره های پایین در اختیار دهقانان، کسبه و پیشه وران گذارده شود.

۸- تمرکز اجباری صاحبان صنایع در سندیکاها و برقراری کنترل و نظارت

برای مبارزه با بحران اقتصادی موجود، کمبود کالاها، صرفه جویی در وسایل و نیروی کار و مقابله با سوء استفاده ها، ضروریست که صاحبان صنایع و کارفرمایانی که سرمایه های آنها به جریان می افتد در اتحادیه ها و سندیکاهای صاحبان صنایع متمرکز شوند تا امکان کنترل و نظارت لازم در اینگونه کارخانه ها و مؤسسات فراهم شود.

تنها از طریق متمرکز کردن صاحبان صنایع و کارفرمایان می توان بر معاملات، استخدام ها، اخراج ها، میزان تولید، فروش محصولات و خرید مواد اولیه کنترل اعمال کرد. تنها از این طریق است که می توان جلوی کمبود محصولات، دزدی ها و سوءاستفاده ها را گرفت.

۹- ملی کردن تجارت خارجی، توزیع برنامه ریزی شده و تنظیم امور مصرف

رژیم جمهوری اسلامی با حمایت بی دریغ از تجار بزرگ، به کمبود کالاها، افزایش قیمت ها، ایجاد بازار سیاه، احتکار و... دامن زده است. رژیم جمهوری اسلامی دست صاحبان صنایع و تجار را در چپاول و غارت توده های زحمتکش باز گذاشته است و سرمایه داران توانسته اند میلیاردها دلار اموال مردم را در بانک های خارجی به حساب خود بسپارند. هم اکنون بخش عظیمی از سرمایه های ایران توسط سران حکومت در کشورهای خارج سرمایه گذاری شده است.

باید تجارت خارجی ملی شود و در دست دولت تمرکز یابد تا به این طریق یک اقدام جدی در جهت کوتاه کردن دست سرمایه داران از غارت و چپاول به عمل آمده و یک گام اساسی در جهت مبارزه با کمبود کالاها، احتکار، وخامت اوضاع اقتصادی و قطع وابستگی برداشته شود.

صادرات و واردات برحسب نیازهای واقعی جامعه صورت گیرد و کالاهای مورد نیاز مردم به نحو برنامه ریزی شده و بدون واسطه از طریق تعاونی های توزیع و مصرف در اختیار آنها قرار گیرد.

۱۰- افشاء و لغو تمام قراردادهای اسارت بار با امپریالیسم

رژیم جمهوری اسلامی ایران علیرغم فریادهای دروغینی که علیه امپریالیسم سر داده است نه تنها قراردادهای اسارت بار امپریالیستی دوران رژیم شاه را فاش نکرد بلکه بسیاری از این قراردادها نظیر تالبوت، کروپ، مینسوی، انرژئی اتمی و... را تجدید کرده است. آخرین نمونه از این گونه قرارداد، واگذاری بهره برداری نفت به شرکت توتال فرانسه است که در نوع خود بسیار غارتگرانه و فقط قابل مقایسه با قرارداد ترکمانچای می باشد.

تمام قراردادهای اسارت بار و وابستگی آوری که با امپریالیست ها منعقد شده باید فوراً ملغی شود و مفاد آنها نیز برای آگاهی توده ها منتشر گردد.

۱۱- لغو دیپلماسی سری

رژیم جمهوری اسلامی همه چیز را از چشم توده ها پنهان می دارد. آنها دور از چشم مردم به عقد قرارداد و زدوبند با کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی می پردازند. مذاکرات آنها مخفیانه و پشت پرده است. به بهانه دیپلماسی و اسرار مملکتی، توده مردم از وقایع و اتفاقات جاری بی اطلاع است. از اینرو مشارکت مردم در مسایل سیاسی نیز غیرممکن شده است. بنابر این رسم دیپلماسی سری باید برافند و توده ها از تمام مناسبات و پیمان ها با دول دیگر آگاه شوند.

دولت دمکراتیک انقلابی ایران در عرصه سیاست خارجی، سیاست ارتباط سازنده با سایر کشورها، اتحاد با جنبش های رهایی بخش ملل تحت ستم جهان را در پیش خواهد گرفت و با سیاست های دول امپریالیستی و همه دولت ها و نیروهای مرتجع جهان مبارزه خواهد کرد. روند تحولات جهانی می طلبد دولت انقلابی ایران ضمن اتحاد و همبستگی با جنبش های رهایی بخش، کشورهای انقلابی و مترقی، طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی، مناسبات جدی و همکاری های ثمربخشی را با سایر کشورها در پیش گیرد و موجب تقویت این مناسبات را فراهم سازد.

اقدامات فوری در زمینه تأمین اجتماعی و رفاه عمومی

رژیم جمهوری اسلامی با اعمال سیاست های ارتجاعی و ضدانقلابی خود، شرایط زندگی توده های زحمتکش را از هر جهت دشوار کرده است. از اینرو اقدامات فوری در زمینه تأمین اجتماعی و رفاه عمومی یک ضرورت مبرم و حیاتی انقلاب محسوب می شود. دولت انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران باید به فوریت اقدامات لازم را برای رفع این مصائب به عمل آورد.

۱۲- افزایش دستمزدها

هم اکنون قدرت خرید و سطح زندگی کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان ایران در اثر افزایش مداوم قیمت ها، افزایش هزینه های زندگی و ثابت ماندن دستمزدها به شدت پایین آمده است. - باید به فوریت با مشارکت نمایندگان کارگران، منطبق با سطح هزینه های زندگی، دستمزد زحمتکشان افزایش یابد و تا زمانی که قیمت ها بطور کامل تحت کنترل در نیامده است، هر شش ماه یک بار مطابق با درصد افزایش قیمت ها به دستمزد زحمتکشان نیز افزوده شود.

۱۳- مبارزه با افزایش قیمت ها

باید با سیاست برنامه ریزی اقتصادی، به ویژه با اعمال کنترل تولید و توزیع و تنظیم امور مصرف و مبارزه قاطع با دلالان و محترکان، اقدامات فوری در جهت مقابله با افزایش قیمت ها اتخاذ شود.

۱۴- تعدیل و معافیت مالیات زحمتکشان

رژیم جمهوری اسلامی بار بحران اقتصادی، ورشکستگی مالی و هزینه های کمرشکن خود را با افزایش مالیات های مستقیم و عمدتاً غیرمستقیم از طریق افزایش بهای آب و برق، بنزین، افزایش قیمت ها و... بر گرده زحمتکشان قرار داده است. باید به فوریت مالیات های مستقیم زحمتکشان لغو شود. مالیات های غیرمستقیم به حداقل ممکن تعدیل یابد.

۱۵- تأمین مسکن و تعدیل اجاره ها

یکی از مهمترین مشکلات زحمتکشان ایران نداشتن مسکن و هزینه های سنگین آن است. در حالی که ثروتمندان نوپای رژیم جمهوری اسلامی در کاخ های مجلل و لوکس زندگی می کنند، انبوهی از زحمتکشان میهن ما در شهرها و روستاها در شرایط بسیار بد زندگی می کنند. بخش عمده جامعه با هزینه های کمرشکن اجاره نشینی روبرو هستند، و قشری نیز در فقدان مسکن مناسب به خانه های مخروبه و آلوده نشینی روی آورده اند. این بی عدالتی اجتماعی باید از میان برود و هر خانواده زحمتکش دارای مسکن باشد. اما تحقق این امر بطور کامل و در کوتاه مدت ممکن نیست. از اینرو به صورت یک اقدام فوری باید خانه ها و آپارتمان های زائد دولتی مصادره و در اختیار عامه مردم گذارده شود. بدین منظور طرح پروژه سریع خانه سازی با اعتبارات دولتی، راه حل فوری و مردمی برای این مشکلات می باشد که باید به فوریت آغاز شود. مادام که عموم مردم صاحب مسکن نشده اند، اجاره خانه ها باید مطابق با سطح دستمزد آنان تعیین شود و به مرحله اجراء درآید.

۱۶- حق کار برای همه

سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی که ناشی از سیستم نظام سرمایه داری است، موجب گردیده که هم اکنون میلیون ها نفر از کارگران و زحمتکشان بیکار باشند. باید این بلا را اجتماعی برافند و از طریق برنامه ریزی اقتصادی و فعالیت های صنعتی و کشاورزی همه افراد جامعه به کار گمارده شوند. مادام که از طریق برنامه ریزی، تمام نیروی کار موجود در جامعه به کار گرفته نشده است، به بیکاران حقوق معادل مخارج یک خانواده زحمتکش پرداخت خواهد شد و تمام کارگران و افراد شاغل در مقابل بیکاری بیمه می شوند.

۱۷- بیمه ناشی از صدمات و بازنشستگی

تمام کارگران و زحمتکشان جامعه باید در مقابل سوانح، صدمات و از کارافتادگی بیمه شوند و برای پیشگیری از سوانح و صدمات باید ایمنی محیط کار تضمین شود. به علاوه تمام سالخوردگان باید با برخورداری از بیمه بازنشستگی از زندگی راحت و تأمین لازم برخوردار شوند.

۱۸- شرایط کار و تسهیلات

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه به عنوان یک خواست فوری و عمومی کارگران باید به مرحله اجراء درآید. علاوه بر این بایستی مفاد زیر از سوی دولت انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران به مورد اجراء گذاشته شود:

- ممنوعیت شب کاری در تمام رشته های اقتصادی مگر در مواردی که به دلیل فنی یا رفاهی مطلقا ضروری است.
- تدوین قانون کار به وسیله شوراهای کارگران و تضمین اجرای آن در تمامی بخش های صنعتی، خدماتی و کشاورزی

۱۹- بهداشت و درمان برای همه

افراد جامعه باید از بهداشت و درمان مناسب برخوردار باشند. در این زمینه ایجاد سریع درمانگاه ها، بیمارستان های مجهز، رایگان شدن کلیه خدمات درمانی و بهداشتی، تغذیه مناسب و رایگان در مدارس و کارخانه ها، ایجاد مهد کودک، شیرخوارگاه، گسترش دانشکده ها و انستیتوهای پزشکی و... به عنوان اقدامات فوری باید به مرحله اجراء درآید.

۲۰- آموزش رایگان برای همه

آموزش و تحصیل باید تا پایان دوره متوسطه مجانی و اجباری باشد. مدارس و دبیرستان ها در سراسر کشور گسترش یابند، تا فرزندان عموم مردم ایران قادر به ادامه تحصیل باشند.

سیستم آموزشی ارتجاعی حاکم به کلی دگرگون شود و یک سیستم آموزشی مترقی جای آن را بگیرد.

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های ضدانقلابی و ارتجاعی خود، دانشگاه ها را به خون کشید و بعد از سال ها تعطیل دانشگاه ها، هنوز هم از ورود جوانان به دانشگاه ها هراس دارد. رژیم تلاش دارد سیاست های ضدانقلابی خود را جهت جایگزینی دانشجویان «مکتبی» به جای دانشجویان «غیرمکتبی» عملی سازد تا از این طریق از گسترش نفوذ انقلابیون جلوگیری کند. دانشگاه ها بایستی به فوریت تحت نظارت شوراهای دانشگاه ها قرار گیرد و با سیستم نوین اداره شود.

۲۱- واگذاری زمین به دهقانان

پیروزی انقلاب بدون اتحاد کارگران و دهقانان میسر نیست. انقلاب نمی تواند بدون برآورده ساختن مطالبات دهقانان ایران به پیروزی برسد.

از اینرو به فوریت باید نحوه واگذاری زمین به دهقانان را بنا به شرایط محلی و منطقه ای مشخص و عملی نمود.

واحدهای کشت و صنعت و زمین های بزرگ مکانیزه مصادره و ملی خواهد شد و تحت کنترل شوراهای کارگران کشاورزی قرار خواهد گرفت.

تمام قروض و دیون دهقانان به بانک ها و نزول خواران، سرمایه داران و زمین داران بخشوده خواهد شد. وام ها و اعتبارات درازمدت با شرایط آسان به دهقانان داده می شود. بذر، کود، ماشین آلات کشاورزی و سایر مایحتاج دهقانان با شرایط سهل در اختیار آنان قرار می گیرد.

باید به فوریت برنامه وسیعی برای توسعه شبکه آبیاری و توسعه شبکه های برق سراسری طرح و اجراء شود و آب و برق کافی در اختیار کشاورزان قرار گیرد.

باید با متشکل ساختن دهقانان در تعاونی ها و تشویق آنها به کشت جمعی، محاسن و مزایای کشت جمعی را به آنها نشان داد و در جهت ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی گام برداشت.

کارگران روستا باید از شرایط و مزایای کارگران شهری برخوردار باشند.

۲۲- تمام مراتع و جنگل های کشور باید ملی شود و از هرگونه مالکیت خصوصی بر آنها جلوگیری شود

استفاده از مراتع و جنگل ها توسط دهقانان و عشایر تحت نظارت و کنترل شوراهای آنها صورت خواهد گرفت.

- به فوریت اقدامات رفاهی برای عشایر صورت خواهد گرفت از جمله برق، آب، مسکن، بهداشت و دیگر تسهیلات برای آنها تأمین می شود. حق استفاده از مراتع بدون هیچگونه پرداختی تحت نظارت و کنترل شوراهای عشایر تضمین خواهد شد.
- صید ماهیگیری باید تحت نظارت و کنترل شوراهای صیادان صورت گیرد.

کارگران و زحمتکشان ایران،**نیروهای انقلابی و مترقی!**

تحقق این برنامه عمل انقلابی در گرو سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی است که به اتحاد، همبستگی و همکاری همه نیروهای

انقلابی و مترقی ایران بستگی دارد.

تنها هنگامی این برنامه عمل انقلابی به مرحله اجراء درخواهد آمد که طبقه کارگر ایران بتواند سازمان مستقل طبقاتی خود را به وجود آورد، در آن صورت انقلاب به سرانجام قطعی و پیروزمندش خواهد رسید. تا زمانی که امر استقرار جمهوری دمکراتیک خلق عملی نگردد، تضمینی برای محو آثار همه عقب ماندگی های سیاسی - اجتماعی نخواهد بود.

این برنامه عمل منطبق با اهداف مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک و مرحله ای از انقلاب دمکراتیک - توده ای ایران تنظیم گردیده است. این برنامه رؤس کلی اهداف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است که به عنوان یک سازمان مارکسیست - لنینیست در دفاع از منافع و آرمان طبقه کارگر و توده های زحمتکش ایران در جهت تحقق آن مبارزه می کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ایجاد یک جبهه واحد توده ای را ضروری می داند. جبهه ای که پایه آن را اتحاد نیروهای مبارز تشکیل دهد و بتواند سازمان های انقلابی، دمکرات و همه فعالین و مبارزین علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران را بر محور خود متشکل کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از همه سازمان ها ، شخصیت های سیاسی و مترقی و تمام جریاناتی که خود را درگیر مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی می دانند دعوت به همکاری می نماید. تلاش ما براین پایه استوار است تا برنامه پیشنهادی هیچگونه پیش شرطی را برای فعالیت های مشترک با سایر جریانات قائل نشود . گسترش همکاری ها و جزئیات اتحاد را می توانیم در جریان پراتیک مبارزه تعیین کنیم .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

فروردین ماه ۱۳۸۲

A.C.P
Postfach 120206
60115 Frankfurt am Main
Germany

E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de
Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de>
Fax: 00-49-221-170 490221